

# نظارت والدین بر استفاده کودکان و نوجوانان از رسانه‌های تصویری

فاطمه جوادی\*

بنفشه اقبالی\*\*

تاریخ دریافت: ۸۶/۵/۱۷ تاریخ اصلاح: ۸۶/۹/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۱۲/۶

## چکیده

این مقاله برگرفته از پژوهشی است که در سال ۱۳۸۶، در مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با هدف بررسی میزان و نحوه نظارت والدین بر استفاده کودکان و نوجوانان از انواع رسانه‌های تصویری، با تأکید بر تلویزیون انجام شده است.

نتایج این تحقیق نشان داد:

– ۷۰٪ والدین برای نظارت بر نحوه استفاده فرزندان از تلویزیون، از روش نظارت فعال استفاده می‌کنند.

– ۶۸٪ والدین بر محتوای برنامه‌های مورد استفاده فرزندان در رسانه‌های مختلف تصویری (غیر از تلویزیون) در حد «زیاد و خیلی زیاد» نظارت دارند.

– ۴۲ درصد والدین پس از خرید یا کرایه لوح‌های فشرده بازی برای فرزندان به بازبینی این نوارها و لوح‌های فشرده می‌پردازند.

واژه‌های کلیدی: رسانه‌های تصویری، کودکان و نوجوانان، والدین، نظارت بر

---

\* دکترای روان‌شناسی، پژوهشگر مرکز تحقیقات صداوسیما.

\*\* کارشناس جامعه‌شناسی، پژوهشگر مرکز تحقیقات صداوسیما.

## کودکان و رسانه

کودکان و نوجوانان روزانه ساعات زیادی از اوقات خود را صرف استفاده از انواع رسانه‌های تصویری می‌کنند. بسیاری از محققان معتقدند که استفاده از این رسانه‌ها، از سویی با رفتار پرخاشگرانه، کاهش حساسیت نسبت به خشونت، ترسناک دانستن دنیا، افزایش وزن (چاقی) و کاهش میزان توجه ارتباط دارد و از سوی دیگر، با تعامل اجتماعی مثبت، افزایش معلومات و بهره‌هوشی، بهبود مهارت حل مسئله و تسریع در یادگیری زبان و تکلم مرتبط است.

البته میزان درک کودکان از آنچه در تلویزیون می‌بینند تا حد زیادی بستگی به رشد شناختی آنان دارد. کودکان بسیاری از اوقات بیننده برنامه‌هایی هستند که برای بزرگسالان ساخته شده‌اند و به این ترتیب اغلب صحنه‌ها، شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی که در برنامه‌های بزرگسالان می‌بینند برایشان ناآشناست. آنها تا سنین نه یا ده سالگی به دشواری می‌توانند برنامه‌های بزرگسالان را بفهمند زیرا مهارت‌های شناختی لازم را ندارند. در نتیجه ممکن است درک متفاوتی از بزرگسالان در مورد این گونه برنامه‌ها داشته باشند. خردسالان حتی از تشخیص مضمون و موضوع اصلی داستان ناتوانند و ممکن است موضوعات حاشیه‌ای را به اندازه مضمون اصلی مهم تلقی کنند. آنها همچنین نمی‌توانند عناصر مختلف یک داستان را که در زمان‌های مختلف روی می‌دهد به هم ربط دهند و قادر به درک احساسات و مقاصد شخصیت‌های داستان یا نتیجه‌گیری از وقایعی که آشکارا نشان داده نمی‌شوند نیستند (ماسن، ۱۳۸۳: ۶۱۳).

سن، یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که تفاوت توانایی‌های پردازش اطلاعات، تفسیر و سنجش کودکان را تبیین می‌کند و بر میزان شناخت آنان از نیازها، علایق و توانایی نظارت بر خود و اداره فعالیت‌هایشان و تأثیرپذیری از الگوهای رایج تفکر، احساس و عمل تأثیر می‌گذارد. کودکان با رسیدن به سن بلوغ توانایی‌های بیشتری برای درک و به خاطر آوردن محتوای تلویزیونی پیدا می‌کنند و در نتیجه یا بیشتر تحت تأثیر تلویزیون قرار می‌گیرند یا برعکس به دلیل فهم و درک بالاتر، استقلال بیشتر و برخوردارگی از الگوهای رفتاری جافتاده‌تر، کمتر از این برنامه‌ها تأثیر می‌پذیرند (دور،

میزان آگاهی کودکان از رسانه تلویزیون یکی دیگر از عوامل مهمی است که می‌تواند در تأثیرپذیری آنان از این رسانه و رسانه‌های دیگر مؤثر باشد. آن دسته از کودکان که در مورد نحوه و دلایل تولید و پخش برنامه‌های مورد تماشا، آگاهی بیشتری دارند، احتمالاً براساس ارزیابی‌های خود در مورد میزان جانبداری، حقیقی بودن، ترغیب‌کنندگی، آگاه‌کنندگی، واقع‌گرایی، خیالی بودن و ساختگی یا زنده بودن محتوا به تعدیل اثرها می‌پردازند. برای مثال وقتی کودکان می‌فهمند که یک آگهی با هدف ترغیب بیننده برای خرید، تهیه شده است کمتر تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند (دور، ۱۳۷۴: ۱۲۲).

### نظارت (مداخله) والدین بر تماشای تلویزیون

بدون شک یکی از مهم‌ترین عوامل در تأثیرپذیری کودک از تلویزیون، خانواده و روش‌های نظارت والدین بر استفاده از رسانه‌هاست که توجه بسیاری از تحقیقات اخیر را نیز به خود معطوف کرده است. علاقه فزاینده پژوهشگران به موضوع مداخله والدین، در واقع تا حدی در پاسخ به پیشرفت‌های نظری به دست آمده در تحقیقات رسانه‌ای (هوستون و رایت، ۱۹۹۴) و روان‌شناسی رشد (گودنو و کالینز، ۱۹۹۰) و تا حدی در پاسخ به واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی فرهنگی (یعنی صرف‌نظر از جو حقوقی و قانونی حاکم بر جامعه، مسئولیت اصلی در قبال بهره‌گیری از رسانه‌ها بر عهده والدین آنهاست) پدید آمده است (کارلسون، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

در واقع کودکان و تلویزیون در مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی قرار دارند که می‌تواند بر پیام‌های دریافتی کودکان از تلویزیون، نحوه استفاده آنان از این رسانه، میزان آگاهی آنان به عنوان بیننده تلویزیون و اینکه چه چیز در چه زمانی از تلویزیون پخش شود، اثر بگذارد. محققان معتقدند، اثر تلویزیون بر کودکان را می‌توان با مشغول کردن آنان در فعالیت‌های مرتبط با محتوای مورد تماشا، نظارت بر عادات تماشا، آموزش کودکان برای مبدل شدن به بیننده‌ای بصیر، تغییر محتوا و برنامه زمانی، نافذ و مؤثر ساخت (دور، ۱۳۷۴: ۱۶۹).

زمانی که والدین و کودکان با هم تلویزیون تماشا می‌کنند، والدین می‌توانند این

برخی از پدر و مادرها کنترل شدیدی بر فرزندان خود اعمال می‌کنند. آنها برنامه‌هایی را که کودکان اجازه دارند تماشا کنند انتخاب می‌کنند و گاه نیز خود با آنان به تماشا می‌نشینند اما برخی دیگر هیچ کنترلی بر میزان تماشا یا نوع برنامه‌هایی که کودک می‌تواند تماشا کند ندارند (کالینگفورد، ۱۳۸۰: ۲۳).

در اغلب موارد گفته می‌شود افراط کودکان در تماشای تلویزیون به دلیل نظارت نکردن والدین است. منتقدان می‌گویند کودکان کلیددار\* هنگامی که هیچ کس خانه نیست می‌خکوب تلویزیون می‌شوند. اما تحقیقات نشان می‌دهد که حضور والدین عادت تماشای تلویزیون را تقویت می‌کند. کودکان پیش‌مدرسه‌ای که در خانه با مادرشان می‌مانند بیش از کودکانی که مادرشان بیرون از خانه کار می‌کند تلویزیون تماشا می‌کنند. اما از میان کودکان مدرسه‌رو، آن دسته که مادرانشان بیرون از خانه کار می‌کنند و آن دسته که مادرانشان در خانه می‌مانند به یک اندازه تلویزیون تماشا می‌کنند. از این رو شاید این گفته درست باشد که هرچند کودکان بدون حضور ناظر زیاد به تماشای تلویزیون می‌نشینند، همراه ناظر هم زیاد تلویزیون تماشا می‌کنند (ماسن، ۱۳۸۳: ۶۰۸).

والدین، اکثر اوقات و به شیوه‌های متعدد می‌توانند بر پیام‌های دریافتی کودکان از تلویزیون و پیام‌هایی که در زندگی روزمره خود استفاده می‌کنند، اثر بگذارند. فرصت تأثیرگذاری والدین می‌تواند در مقاطع زمانی قبل، بعد و حین تماشا به وجود آید. زیرا در این مقاطع برای بحث، سخنرانی، بازی، تمرین، آزمون، جلب توجه، توضیح و

ناتانسون در سال ۱۹۹۹، با به‌کارگیری روش‌های فرزندپروری باومریند\*\* در استفاده از رسانه‌ها توانست سه روش یا سبک مداخله در تماشای تلویزیون را شناسایی کند.<sup>۱</sup> مداخله محدودکننده<sup>۲</sup> که با اعمال و اجرای قوانین محدودکننده در استفاده از رسانه تعریف می‌شود و مداخله ارزیابانه<sup>۳</sup> یا مداخله فعال<sup>۴</sup> که در آن، بین کودک و والدین بحث‌هایی درباره تفسیر محتوای برنامه‌ها، توضیح معانی، ارزیابی انگیزه‌ها، قضاوت‌های ارزشی و تمایز بین واقعیت و خیال در می‌گیرد (weaver, & Barbour, 1992) و روش انفعالی یا هم‌تماشایی<sup>۵</sup> که به مفهوم تماشای تلویزیون به همراه کودک بدون تفسیر و اظهار نظر است (Nathanson, 1999: 124). اگرچه اغلب فرض می‌شود که هر سه نوع این شیوه‌های مداخله‌ای، مفید هستند، تحقیقات پیمایشی نشان داده است این سه شیوه کاملاً از یکدیگر متمایز هستند و در همه موارد هم منجر به نتایج مثبت نمی‌شوند. برای مثال، مداخله فعال پیامدهای مثبتی به همراه دارد و موجب تردید نسبت به برنامه‌های تلویزیون و کاهش پرخاشگری کودک می‌شود (نقل از ناتانسون، ۲۰۰۱: ۲۰۱). در حالی که مداخله محدودکننده با اینکه به طور معمول تأثیر مثبت دارد با به‌کارگیری بیش از حد می‌تواند واکنش عکس در کودک ایجاد کند. تحقیقات درباره روش سوم یعنی تماشای صرف با کودک، نیز نتایج ضد و نقیضی در بر داشته است. برخی تحقیقات تأثیرات مثبت را نشان داده‌اند و برخی بر پیامدهای منفی تأکید کرده‌اند. به هر حال مطالعه روزافزون درباره مداخله والدین بر تماشای تلویزیون از سوی کودکان نشان می‌دهد، به‌کارگیری این روش‌ها، تأثیر زیادی بر واکنش کودک نسبت به تلویزیون می‌گذارد.

---

۱. روش چهارم فرزندپروری، یعنی شیوه طردکننده از سوی محققان دیگر مطرح شده است.

- 2- restrictive mediation
- 3- evaluative mediation
- 4- active mediation
- 5- co-viewing mediation

به نظر می‌رسد این شیوه‌های مداخله‌ای، پیام‌هایی را درباره برنامه‌های تلویزیون به کودک انتقال می‌دهد که به مفهوم تأیید یا رد محتوای پیام‌های تلویزیونی است و به این ترتیب تأثیرپذیری کودک را نسبت به انواع برنامه‌های تلویزیونی بخصوص برنامه‌های خشونت‌آمیز کاهش یا تغییر می‌دهد یا بر درک و یادگیری برنامه‌های آموزشی می‌افزاید. بنابراین می‌توان گفت که محیط خانواده و روش‌های مداخله والدین در میزان تماشا و استفاده از انواع رسانه‌های تصویری از سوی کودکان که هر روز در حال گسترش است، نقش به‌سزایی دارد. توجه به موضوع مداخله والدین در تماشای تلویزیون و سایر رسانه‌ها هنگامی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که مشاهده می‌شود بخش زیادی از اوقاتی را که کودکان و نوجوانان باید صرف آموختن یا سایر فعالیت‌ها کنند به بازی یا استفاده از انواع رسانه‌ها اختصاص می‌دهند در حالی که با شرایط حاکم بر بازارهای جهانی و رقابت شدید در عرصه تولیدات رسانه‌ای که از پیچیده‌ترین و فشرده‌ترین رقابت‌های دوران معاصر محسوب می‌شود، خشونت به یکی از عناصر اصلی برنامه‌های تلویزیونی و سایر رسانه‌ها تبدیل شده است. وسعت و حضور همیشگی خشونت در رسانه که با میانگین ۵ تا ۱۰ عمل خشونت‌آمیز در هر ساعت از برنامه‌های تلویزیونی در بسیاری از کشورهای جهان پخش می‌شود (گربنر ۱۹۹۷، نقل از بیابانگرد و صالحی، ۱۳۸۵: ۲۵). از یک سو و هجوم رسانه‌های جدید مانند VCD، تلویزیون‌های کابلی، انواع لوح‌های فشرده، رایانه‌های شخصی، اینترنت و ماهواره به محیط خانواده‌ها که مملو از برنامه‌های خشونت‌آمیز هستند موجب نگرانی روزافزون والدین در مورد کنترل محتوای این رسانه‌ها شده است. در واقع همان‌گونه که گربنر در مطالعه خود اظهار کرده است، پیشرفت‌های عصر حاضر مجموعه کاملی از رسانه‌ها را که به محتوای جنسی و خشونت‌آمیز می‌پردازند، برای کودکان فراهم ساخته است و نگرانی والدین زمانی افزون‌تر می‌شود که کودکان وارد سنین نوجوانی می‌شوند زیرا در این سنین

در ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، تمام شبکه‌های تلویزیونی در اختیار دولت هستند و خوشبختانه محتوای اکثر برنامه‌هایی که از طریق تلویزیون به نمایش درمی‌آید، تحت کنترل و ارزیابی دایم است. با این حال، به دلیل وجود رقابت شدید در جلب هرچه بیشتر مخاطبان، تلاش برای جذاب کردن هرچه بیشتر برنامه‌های تلویزیونی و جلوگیری از جلب مخاطبان به شبکه‌های ماهواره‌ای و همچنین تأمین بخش عمده‌ای از فیلم‌ها و سریال‌ها از تولیدات خارجی که متأسفانه عاری از خشونت نیستند، موجب شده است برنامه‌های پخش‌شده از تلویزیون ملی نیز، خالی از خشونت نباشند.

در همین خصوص مطالعه‌ای که در سال ۱۳۸۴، درباره تحلیل محتوای خشونت در فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها صورت گرفته نشان می‌دهد در تابستان ۸۴، ۸/۵ درصد از صحنه‌ها (برحسب دقیقه) محتوای خشونت‌آمیز داشته‌اند. در فیلم‌های سینمایی در هر ۱۳ دقیقه، ۱ دقیقه و در سریال‌ها، در هر ۱۰ دقیقه ۱ دقیقه (در سریال‌های ایرانی در هر ۲۳ دقیقه، ۱ دقیقه و در سریال‌های خارجی در هر ۶ دقیقه ۱ دقیقه) صحنه‌های خشونت‌آمیز به نمایش درآمده است (بیابانگرد و صالحی، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

این در حالی است که آخرین مطالعات نشان می‌دهد متوسط تماشای برنامه‌های تلویزیونی در کودکان و نوجوانان تهرانی در فصل بهار ۱۳۸۵، ۴ ساعت و ۱۶ دقیقه در روز بوده است. ۶۰ درصد کودکان و نوجوانان تهرانی ساعت ۹ تا ۱۰ شب که اغلب زمان پخش فیلم‌ها و سریال‌هاست به تماشای تلویزیون می‌پردازند. همچنین ۳۳ درصد از کودکان و نوجوانان تهرانی به ماهواره دسترسی دارند، این گروه به طور متوسط روزانه ۲ ساعت و ۱۱ دقیقه برنامه‌های ماهواره‌ای را تماشا می‌کنند. ۸۱ درصد از افراد مورد مطالعه به دستگاه‌های صوتی و تصویری مانند VHS، VCD، DVD دسترسی دارند که ۱۰ درصد روزی چند بار و ۲۲ درصد روزی یک بار از این رسانه‌ها استفاده می‌کنند. ۴۹ درصد از کودکان و نوجوانان تهرانی به دستگاه‌های میکرو، پلی‌استیشن، سگا و ... دسترسی دارند که ۱۳ درصد آنان روزی چند بار و ۲۲ درصد روزی یک بار با آن بازی می‌کنند.

۵۷ درصد از افراد مورد بررسی به رایانه دسترسی دارند که ۵۱ درصد آنان برای بازی و ۴۵ درصد برای تماشای لوح‌های فشرده فیلم از آن استفاده می‌کنند ۲۱ درصد از کودکان و نوجوانان به ژانرهای مهیج و ترسناک و ۲۰ درصد به ژانرهای پلیسی و جنایی علاقه دارند و در نهایت در منزل ۳۹ درصد از کودکان بیش از یک تلویزیون وجود دارد که می‌تواند به مفهوم استفاده شخصی و بدون مداخله والدین از تلویزیون باشد (خضریان، ۱۳۸۵: ۷۶-۷۸).

به این ترتیب می‌بینیم که کودکان و نوجوانان جامعه ما تا چه حد در معرض تأثیر خشونت برنامه‌های رسانه‌ای که کنترل‌شده‌ترین آنها تلویزیون است قرار دارند و بهترین راه و شاید هم تنها راه کاهش آسیب حاصل از این تأثیرات منفی، به‌کارگیری روش‌های مداخله‌ای مناسب در تماشای این نوع برنامه‌ها از سوی والدین است.

اما به نظر می‌رسد که در جامعه ما، والدین مداخله‌چندانی بر تماشای تلویزیون از سوی کودک خود ندارند و این مداخله احتمالاً در تماشا و استفاده از بازی‌های رایانه‌ای بسیار اندک است و در استفاده از اینترنت و سایر رسانه‌ها نیز چندان نیست. مطالعه حسینی (۱۳۸۰) نشان داد ۳۰ درصد از والدین تهرانی مداخله «خیلی زیاد و زیاد» و ۳۵/۱ درصد مداخله «متوسط» در تماشای تلویزیون از سوی کودکان دارند و نکته حائز اهمیت آن است که بیشترین مداخله والدین ۴۵/۷ درصد، درباره نحوه نشستن کودک در مقابل تلویزیون است و در مورد موضوعات مهمی مانند مدت زمان تماشا، اوقات تماشا و نوع برنامه‌های مورد تماشای کودک به ترتیب ۳۰/۲ درصد، ۳۰/۱ درصد، ۳۰/۵ درصد، در حد «زیاد و خیلی زیاد» مداخله انجام می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۰: ۹۲-۹۱).

در همین تحقیق مشخص شد، بیش از نیمی از کودکان، درباره نوع برنامه‌هایی که تماشا می‌کنند تصمیم می‌گیرند. در مطالعه دیگری نیز که سالک (۱۳۷۹) انجام داد بیش از دوسوم والدین اظهار کردند کودکان، خود درباره نوع برنامه‌ای که تماشا می‌کنند تصمیم می‌گیرند (سالک، ۱۳۷۹: ۲۷).

در پژوهشی که پیش روست تلاش شده است میزان و نحوه استفاده کودکان و نوجوانان از انواع رسانه‌های تصویری و نگرش، میزان و نحوه نظارت والدین بر استفاده کودکان و نوجوانان از این رسانه‌ها مورد بررسی قرار گیرد.



## روش تحقیق

این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش تمامی والدین تهرانی دارای فرزند ۴ تا ۱۸ ساله بوده‌اند که ۹۱۷ نفر از آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سه مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. ۴۵ درصد افراد نمونه پدران و ۵۵ درصد را مادران تشکیل می‌دادند. میانگین سنی والدین ۴۰ سال و میانگین تحصیلات آنان در حد دبیرستان بوده است. میانگین تعداد فرزندان ۲ نفر بود که ۲۰ درصد آنان زیر ۷ سال (خردسال)، ۲۹ درصد بین ۷ تا ۱۱ سال (کودک) و ۵۰ درصد بین ۱۲ تا ۱۸ سال (نوجوان) بودند. میانگین سن فرزندان مورد بررسی ۱۱/۵ سال بود که ۵۳ درصد آنان را پسران و ۴۷ درصد را دختران تشکیل می‌دادند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای بود که ضمن بررسی سبک‌های نظارت والدین بر تماشای تلویزیون، نگرش والدین در مورد انواع رسانه‌های تصویری، نحوه و میزان استفاده کودکان و نوجوانان از این رسانه‌ها و نحوه نظارت والدین بر استفاده فرزندانشان را ارزیابی می‌کرد. اعتبار پرسشنامه از سوی کارشناسان حوزه مرتبط مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و پایایی پرسش‌های مربوط به سبک نظارت بر تماشای تلویزیون با استفاده از ضریب همسانی درونی بررسی شد، ضریب  $\alpha$  کرونباخ برای این بخش ۷۰ درصد به دست آمد.

## یافته‌های پژوهش

■ اکثر کودکان و نوجوانان مورد بررسی (۷۳ درصد) ۸ شب به بعد نیز بیننده برنامه‌های تلویزیون هستند. ۵۷ درصد کودکان و نوجوانان ۴ تا ۵ بعدازظهر، ۵۵ درصد ۷ تا ۸ شب و ۵۳ درصد ۵ تا ۶ بعدازظهر، بیننده برنامه‌های تلویزیون هستند. ۴ درصد کودکان تا ۸ شب، ۹ درصد تا ۹ شب، ۲۲ درصد تا ۱۰ شب، ۲۸ درصد تا ۱۱ شب و ۳۶ درصد بیش از ۱۱ شب از سوی والدین مجاز به تماشای تلویزیون هستند. نتایج نشان می‌دهد بین سن کودک و متغیر یادشده رابطه معنی‌دار و مستقیم وجود دارد. چنان‌که کودکان زیر ۷ سال بیش از سایر گروه‌ها فقط تا ۱۰ شب مجاز به

■ به طور متوسط کودکان و نوجوانان روزانه ۴ ساعت و ۳۵ دقیقه از وقت خود را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند. این در حالی است که میانگین استفاده از نوارها و لوح‌های فشرده فیلم و کارتون ۱ ساعت و ۲۴ دقیقه، بازی‌های رایانه‌ای (سگا، پلی‌استیشن و میکرو) ۱ ساعت و ۶ دقیقه، ماهواره ۲۰ دقیقه و اینترنت ۱۶ دقیقه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در میانگین مدت زمان استفاده از بازی‌های رایانه‌ای و همچنین نوارهای ویدیویی و لوح‌های فشرده فیلم و کارتون بین پسران و دختران تفاوت معنی‌دار وجود دارد. چنان‌که میانگین مدتی که پسران از این دو رسانه استفاده می‌کنند بیشتر از دختران است.

■ همچنین میانگین مدت زمان استفاده از تمامی رسانه‌های تصویری مورد بررسی به جز ماهواره، در بین گروه‌های سنی کودکان تفاوت آماری دارد. چنان‌که نوارهای ویدیویی و لوح‌های فشرده فیلم و کارتون، بیشتر از سوی خردسالان (زیر ۷ سال) استفاده می‌شود و تلویزیون بیشتر مورد استفاده کودکان (۷-۱۱ سال) است. میانگین مدت استفاده کودکان و نوجوانان از بازی‌های رایانه‌ای تقریباً یکسان بوده است.

■ ۷۱ درصد کودکان و نوجوانان برنامه‌های تلویزیون را همراه والدین یا دیگر اعضای خانواده (خواهر و برادر) و ۲۵ درصد «به تنهایی» تماشا می‌کنند. همراهی اعضای خانواده (اعم از والدین، خواهر و برادر) برای تماشای برنامه‌های ماهواره ۷۳ درصد (۲۷ درصد به تنهایی تماشا می‌کنند) و برای تماشای نوارهای ویدیویی و لوح‌های فشرده فیلم و کارتون ۵۲ درصد (۴۸ درصد به تنهایی تماشا می‌کنند) بوده است. این در حالی است که ۶۷ درصد کودکان و نوجوانان از اینترنت و ۶۵ درصد از بازی‌های رایانه‌ای (سگا، پلی‌استیشن و میکرو) به تنهایی استفاده می‌کنند.

■ ۲۶ درصد والدین «همیشه»، ۲۸ درصد «اغلب»، ۳۲ درصد «گاهی اوقات» بر استفاده فرزندشان از تلویزیون نظارت دارند و ۱۴ درصد «اصلاً» نظارتی ندارند. بین میزان نظارت والدین و ترتیب تولد فرزندان رابطه معنی‌دار وجود دارد. به این ترتیب که میزان حساسیت و شدت نظارت دایم والدین در مورد فرزندان اول و دوم بیشتر

همچنین بین میزان نظارت و تعداد فرزندان رابطه معکوس وجود دارد. به این ترتیب که تقریباً هرچه تعداد فرزندان بیشتر می‌شود از شدت نظارت والدین کاسته می‌شود در حالی که نظارت جدی (همیشه و اغلب اوقات) بیشتر در خانواده‌های دارای یک یا دو فرزند اعمال می‌شود.

■ از میان سه نوع شیوه نظارت محدودکننده، فعالی و انفعالی، ۷۰ درصد والدین برای نظارت بر استفاده فرزندان از تلویزیون از روش نظارت فعال، ۲۵ درصد از روش نظارت انفعالی و ۵ درصد از روش نظارت محدودکننده استفاده می‌کنند.

■ بین نوع نظارت والدین و میزان تحصیلات آنان رابطه معنی‌دار وجود دارد. به این ترتیب که والدین بی‌سواد و کم‌سواد نظارت محدودکننده و انفعالی را بیشتر از سایر والدین در دیگر گروه‌های تحصیلی اعمال می‌کنند در حالی که نظارت فعال بیشتر مورد استفاده والدین دارای تحصیلات دیپلم و عالی است.

■ بررسی‌ها نشان می‌دهد نوع نظارتی که والدین بر استفاده فرزندان از تلویزیون اعمال می‌کنند، متناسب با جنس و سن فرزندان متفاوت است. چنان‌که والدین نظارت «محدودکننده» و انفعالی را بیشتر بر دختران و نظارت فعال را بیشتر بر پسران اعمال می‌کنند. همچنین نظارت محدودکننده بیشتر بر خردسالان (زیر ۷ سال)، نظارت انفعالی بر نوجوانان (۱۸-۱۲ سال) و نظارت فعال بر کودکان (۱۱-۷ سال) اعمال می‌شود.

■ دلایل والدینی که نظارت «کمی» بر استفاده فرزندان از تلویزیون داشته‌اند، به ترتیب عبارت است از: «نداشتن وقت» (۳۳ درصد)، «اعتماد داشتن به برنامه‌های تلویزیون» (۲۹ درصد)، «اعتماد به قدرت تشخیص بچه‌ها» (۲۲ درصد)، «اجازه ندادن فرزند به اعمال نظارت» (۳ درصد)، «علاقه نداشتن فرزندان به برنامه‌های تلویزیون»، «تماشای برنامه‌ها در کنار یکدیگر»، «تماشای برنامه‌های مربوط به گروه سنی خود» (هرکدام ۲ درصد). ۵ درصد به سایر موارد اشاره کرده‌اند و ۲ درصد نیز دلیل خاصی را بیان نکرده‌اند.

■ مهم‌ترین دلایل والدینی که «به شدت» بر استفاده فرزندان از تلویزیون نظارت دارند به ترتیب عبارت است از: «مناسب نبودن همه برنامه‌ها برای بچه‌ها» (۲۶ درصد)، «بدآموزی داشتن بعضی از برنامه‌ها» (۱۶ درصد)، «جلوگیری از تماشای فیلم‌های

■ نتایج نشان می‌دهد، نظارت بر استفاده فرزندان از تلویزیون بیشتر (۷۹ درصد) از سوی «مادران»، اعمال می‌شود. اعمال نظارت از سوی «پدران» (۱۲ درصد) و «خواهر یا برادر» (۱ درصد) در مراتب بعدی قرار دارد. ۸ درصد پاسخگویان نیز گفته‌اند «هم پدر و هم مادر» بر استفاده فرزندان از تلویزیون نظارت می‌کنند.

■ در مورد زمان‌های نظارت، ۷۷ درصد والدین «همیشه»، ۱۴ درصد «طی سال تحصیلی» و ۹ درصد فقط «در زمان امتحانات» بر استفاده فرزندشان از تلویزیون نظارت دارند.

■ مهم‌ترین برنامه‌هایی که والدین برای فرزندانشان نامناسب می‌دانند عبارتند از\*\*\*: «برنامه‌هایی که بدآموزی دارد و در آن از الفاظ زشت و نامناسب استفاده می‌شود» (۳۲ درصد)، «برنامه‌های خشن» (۲۴ درصد)، «برنامه‌های ترسناک» (۱۹ درصد)، «برنامه‌های مبتذل و غیراخلاقی» (۶ درصد)، «برنامه‌های غم‌انگیز و عاطفی» (۵ درصد)، «برنامه‌های تخیلی و غیرواقعی» (۴ درصد) و «برنامه‌های ماهواره» (۲ درصد).

■ واکنش والدین در مقابل برنامه‌هایی که برای فرزندانشان «نامناسب» تشخیص می‌دهند به ترتیب اهمیت عبارت است از: «خاموش کردن تلویزیون و ممانعت از تماشا» (۴۸ درصد)، «تذکر دادن» (۲۶ درصد)، «پرت کردن حواس کودک از تماشای برنامه» (۱۱ درصد) و «تماشا نکردن خود والدین» (۲ درصد). همچنین ۳ درصد والدین اظهار کرده‌اند فرزندشان برنامه‌های نامناسب را تماشا نمی‌کند و ۴ درصد به سایر موارد اشاره کرده‌اند، ۳ درصد اظهار نظر نکرده‌اند و ۳ درصد گفته‌اند واکنش خاصی نشان نمی‌دهند.

■ ۵۶/۵ درصد والدین با این نظر که «کودکان و نوجوانان را باید در انتخاب برنامه‌های مورد علاقه‌شان آزاد گذاشت»، «موافق» و ۴۳/۵ درصد «مخالف» هستند.

■ ۳۹ درصد والدین با این نظر که «برنامه‌های ماهواره یا استفاده از اینترنت و

■ ۵/۵ درصد والدین با این نظر که «پرداختن به بازی‌های رایانه‌ای موجب خلاقیت و رشد فکری کودکان و نوجوانان می‌شود»، «کاملاً موافق» ۵۶ درصد «موافق»، ۳۰ درصد «مخالف» و ۸/۵ درصد «کاملاً مخالف» هستند.

■ ۶۸ درصد والدین بر محتوای برنامه‌های رسانه‌های تصویری مختلفی (غیر از تلویزیون) که فرزندانشان استفاده می‌کنند در حد «زیاد و خیلی زیاد» و ۲۱ درصد در حد «کم و خیلی کم» نظارت دارند و ۱۱ درصد «اصلاً» نظارت ندارند.

■ ۵۵ درصد والدین بر ساعت استفاده فرزندانشان از رسانه‌های تصویری مختلف (غیر از تلویزیون) در حد «زیاد و خیلی زیاد» و ۲۹ درصد در حد «کم و خیلی کم» نظارت دارند و ۱۶ درصد «اصلاً» نظارت ندارند.

■ ۵۵ درصد والدین بر مدت زمان استفاده فرزندانشان از رسانه‌های مختلف تصویری (غیر از تلویزیون) در حد «زیاد و خیلی زیاد» و ۳۰ درصد در حد «کم و خیلی کم» نظارت دارند و ۱۵ درصد «اصلاً» نظارت ندارند.

■ ۶۵ درصد والدین بر مکان تماشا یا استفاده فرزندانشان از رسانه‌های مختلف تصویری (غیر از تلویزیون) در حد «زیاد و خیلی زیاد» و ۲۱ درصد در حد «کم و خیلی کم» نظارت دارند و ۱۴ درصد «اصلاً» نظارت ندارند.

مقایسه این نظرها نشان می‌دهد، والدین بر «محتوای» برنامه‌های رسانه‌های مختلف تصویری مورد استفاده فرزندانشان (غیر از تلویزیون) و «مکان استفاده» آنها نظارت بیشتری دارند و نظارت بر «مدت زمان» و «ساعت استفاده» در اولویت‌های بعدی هستند.

■ ۴۲ درصد والدین در حد «زیاد و خیلی زیاد» و ۲۲ درصد در حد «کم و خیلی کم» لوح‌های فشرده بازی را که برای فرزندشان خریداری یا کرایه می‌کنند قبل از استفاده بازبینی می‌کنند. ۳۶ درصد «اصلاً» این بازی‌ها را بازبینی نمی‌کنند.

■ ۵۷ درصد والدین در حد «زیاد و خیلی زیاد» نوارهای ویدیویی و لوح‌های فشرده فیلم تهیه‌شده برای فرزندانشان را در حد «زیاد و خیلی زیاد» و ۱۶/۵ درصد در حد «کم و خیلی کم» بازبینی می‌کنند. ۲۶/۵ درصد نیز «اصلاً» این فیلم‌ها را بازبینی نمی‌کنند.

■ ۴۷ درصد والدین نوارهای ویدیویی و لوح‌های فشرده کارتون را پس از تهیه برای فرزندانشان در حد «زیاد و خیلی زیاد» و ۲۳ درصد در حد «کم و خیلی کم» بازبینی می‌کنند و ۳۰ درصد «اصلاً» بازبینی نمی‌کنند.

### نتیجه

● نتایج این بررسی نشان می‌دهد طبق اظهار والدین، ۷۳ درصد از کودکان و نوجوانان، به طور معمول برنامه‌های تلویزیون را تا بعد از ساعت ۸ شب تماشا می‌کنند و ۶۴ درصد مجازند حتی برنامه‌های بعد از ساعت ۱۰ شب را نیز به تماشا بنشینند. بین سن کودک و ساعت مجاز تماشا رابطه معنی‌داری به دست آمد اما والدین اجازه می‌دهند گروه کودکان (یعنی گروه سنی ۷ تا ۱۱ سال) نیز برنامه‌هایی را که در بین ساعت ۱۰ تا ۱۱ شب به نمایش در می‌آیند (و اغلب شامل سریال‌ها و فیلم‌ها هستند) تماشا کنند. این نتایج حاکی از آن است که والدین بر ساعت مجاز تماشای فرزندان خود نظارت چندانی ندارند در حالی که کودکان به دلیل برخوردار نبودن از مهارت‌های شناختی لازم به دشواری این برنامه‌ها را می‌فهمند و درک متفاوتی (از بزرگسالان) درباره این نوع برنامه‌ها دارند.

● نوع نظارتی که والدین به طور معمول بر استفاده کودکانشان از رسانه‌های تصویری اعمال می‌کنند با نگرش آنان نسبت به رسانه ارتباط دارد. مطالعه حاضر نشان داد والدین نگرش چندان مثبتی به برنامه‌های ماهواره یا اینترنت و فیلم‌های ویدیویی ندارند. چنان‌که ۶۱ درصد مخالف این عقیده هستند که استفاده از این رسانه‌ها می‌تواند باعث افزایش اطلاعات کودکان و نوجوانان شود و برعکس، تقریباً همین میزان از والدین معتقدند بازی‌های رایانه‌ای خلاقیت و رشد فکری فرزندان را تقویت می‌کند نسبت به تماشای برنامه‌های تلویزیون بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۷ درصد) نگرش مثبتی دارند و فرزندان خود را در انتخاب برنامه‌ها آزاد می‌گذارند. با وجود این والدین اجازه می‌دهند فرزندانشان در ۶۷ درصد موارد از اینترنت، ۴۸ درصد موارد از نوارهای ویدیویی و لوح‌های فشرده فیلم و کارتون به تنهایی (یعنی بدون نظارت) استفاده کنند. در حالی که حذف نظارت بر استفاده کودکان و نوجوانان از هر نوع رسانه تصویری تا زمانی که به قدرت تشخیص و تحلیل مجهز نشده‌اند می‌تواند آثار منفی متعددی را در

● در این مطالعه مشخص شد والدین بیش از همه از روش نظارت فعال، یعنی روشی که با توضیح و تفسیر و استدلال همراه است استفاده می‌کنند. همان‌گونه که انتظار می‌رفت و همسو با مطالعات خارجی، والدین برای خردسالان که از قدرت درک و شناخت کافی برخوردار نیستند، از روش محدودکننده و برای نوجوانان که به دلیل شرایط سنی به طور معمول از حوزه نظارتی والدین خارج می‌شوند، بیشتر از روش انفعالی (هم تماشایی) استفاده می‌کنند و روش فعال بیشتر برای کودکان اعمال می‌شود، در حالی که روش فعال مفیدترین و مؤثرترین روش نظارتی برای هر سه گروه سنی است. استفاده از این روش برای خردسالان باعث رشد قدرت شناختی و تشخیص آنان می‌شود و در نوجوانان به تقویت قدرت انتقادی و استدلالی آنان کمک می‌کند. در واقع وقتی والدین با نوجوانان درباره موضوعات نشان داده‌شده در برنامه‌ها به بحث می‌نشینند به آنان می‌آموزند که موضوعات را با دقت و ریزبینی بیشتری مورد بررسی قرار دهند و صرفاً یک تماشاگر منفعل نباشند.

● همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد شدت نظارت والدین با افزایش تعداد فرزندان و ترتیب تولد آنان ارتباط دارد. در واقع افزایش تعداد فرزندان از سویی باعث کاهش فرصت والدین برای توجه به هر کودک می‌شود و از سوی دیگر تجربه آنان را در تربیت فرزند افزایش می‌دهد به همین دلیل مانند بسیاری از موضوعات تربیتی دیگر با افزایش تعداد فرزندان از حساسیت والدین در امر نظارت و کنترل بر تماشای تلویزیون کاسته می‌شود.

● یکی از مهم‌ترین دلایل والدین برای نظارت نکردن بر استفاده فرزندان از تلویزیون، داشتن اعتماد به این رسانه است. به نظر می‌رسد والدین به دلیل اینکه در کشور ما تمام شبکه‌های تلویزیون تحت نظارت رسمی هستند، ضرورتی برای اعمال این نظارت قائل نیستند در حالی که گفته شد همراهی والدین با کودکان در تماشای تلویزیون، تنها موجب کاهش یافتن آثار منفی نمی‌شود بلکه در استفاده بهینه از برنامه‌ها نیز مؤثر است. ضمن آنکه نظارت مسئولان صداوسیما در حوزه‌های خاصی اعمال می‌شود و بخشی از آن نیز صرفاً به صورت هشدار یا پیش‌آگهی قبل از پخش برنامه است و در صورت بی‌توجهی والدین نمی‌تواند اثربخشی امیدوارکننده‌ای داشته باشد.

در مقابل، دلیل نظارت «زیاد» والدین بر تماشای تلویزیون از سوی فرزندان، در ۴۲/۱ درصد موارد، نامناسب بودن و بدآموزی این برنامه‌ها ذکر شده است. در واقع نزدیک به نیمی از پاسخگویان نظارت را تنها برای کاهش آثار زیانبار برخی برنامه‌ها به کار می‌برند و فقط ۲۲ درصد اظهار کرده‌اند اعمال نظارت، به یادگیری هرچه بیشتر کودک از تلویزیون کمک می‌کند. ۱۳ درصد نیز بر رشد ناکافی توانایی‌های شناختی کودکان تأکید کرده‌اند. ظاهراً والدین آگاهی زیادی از توانایی‌های شناختی کودکان در سنین مختلف (دست کم در تأثیرپذیری از رسانه‌های تصویری) ندارند و استفاده از روش‌های مداخله‌ای را راهی مؤثر برای افزایش یادگیری کودک نمی‌دانند.

با وجود اینکه یافته‌ها نشان می‌دهد والدین به طور کلی در تماشای تلویزیون از روش «محدودکننده» در کمترین میزان استفاده می‌کنند، در عمل هنگام پخش برنامه‌های نامناسب این روش در حد بالا (۷۴ درصد) از سوی آنان به کار برده می‌شود (۴۸ درصد مانع از تماشای برنامه می‌شوند و ۲۶ درصد نیز به جای توضیح تذکر می‌دهند). در حالی که تحقیقات نشان می‌دهد، روش محدودکننده چون بدون توضیح به کار گرفته می‌شود، آثار بلندمدت ندارد و حتی گاه می‌تواند تأثیر معکوس بر جای گذارد. در واقع کودکی که مرتب از تماشای برخی برنامه‌ها منع می‌شود، چون دلیل این منع را نمی‌داند، در موقعیت‌های دیگر مانند حضور نداشتن والدین یا در منزل دوستان و آشنایان به تماشای این برنامه‌ها می‌نشیند. بنابراین روش محدودکننده، روش چندان مؤثری برای کاهش آثار منفی رسانه‌های تصویری بر کودکان نیست.

● اگرچه بازی‌های ویدیویی و رایانه‌ای اغلب برای سرگرمی، چالش و گاه آموزش طراحی می‌شوند، در بسیاری از موارد محتوای خشن دارند چنان‌که مطالعات نشان داده است ۸۹ درصد بازی‌های رایانه‌ای و ویدیویی مقداری خشونت دارند (Gentile et al, 2004: 5) و حدود نیمی از این بازی‌ها محتوایی کاملاً خشونت‌آمیز دارند. بنابراین می‌توان گفت که اکثر بازی‌های رایانه‌ای و الکترونیکی با خشونت همراهند. این در حالی است که ۵۸ درصد از والدین مورد بررسی، لوح‌های فشرده بازی را قبل از استفاده فرزندان بازبینی نمی‌کنند و حتی در صورت بازبینی، میزان خشونت این بازی‌ها را ارزیابی نکرده و از استفاده کودکانشان، ممانعت نمی‌کنند. مطالعات نشان داده است که کودکان و نوجوانانی که بیشتر از این بازی‌ها استفاده می‌کنند، گرایش بیشتری به



براساس مطالعات صورت گرفته، تعداد زیادی از کارتون‌هایی که در بین کودکان از محبوبیت بالایی برخوردارند، به ظاهر دارای محتوای خشونت‌آمیز نیستند اما به عنوان کارتون‌های افزایش‌دهنده خشونت در کودکان معرفی شده‌اند. مانند «تام و جری»، «باگزیانی»، «مرد عنکبوتی»، «سوپرمن»، «بتمن» و «وودی وود پی‌کر»<sup>۱</sup>. همان‌گونه که می‌بینیم، بسیاری از کارتون‌های نامبرده در برنامه‌های تلویزیون داخلی پخش می‌شوند و بسیاری دیگر از کارتون‌های پرخشونت نیز در بازار رسانه‌های تصویری عرضه و خریداری می‌شوند. والدین بدون آگاهی از تأثیرات زیانبار این نوع کارتون‌ها و بدون اطلاع از اینکه خردسالان بویژه قدرت کافی برای تشخیص خیال از واقعیت را ندارند، به راحتی این کارتون‌ها را در اختیار فرزندان خود قرار می‌دهند و مطابق نتایج این تحقیق، در ۵۳ درصد موارد آنها را بازبینی نمی‌کنند و حتی در صورت کنترل، آسیب‌زا بودن چنین کارتون‌هایی را تشخیص نمی‌دهند.

● به طور کلی نتایج مطالعه حاضر نشان داده است والدین از تأثیر روش‌های مداخله یا نظارت بر استفاده از رسانه‌ها آگاه نیستند و از آن به درستی استفاده نمی‌کنند. در واقع بسیاری از والدین با وجود استفاده زیاد فرزندان‌شان از انواع رسانه‌های تصویری، هنوز تأثیر این رسانه‌ها و راه درست استفاده از آنها را نمی‌دانند. تلویزیون به دلیل اینکه گسترده‌ترین، پرمخاطب‌ترین و مؤثرترین رسانه تصویری محسوب می‌شود، می‌تواند استفاده مؤثر و مناسب از برنامه‌های این رسانه را به والدین آموزش دهد. این روش‌ها را می‌توان به راحتی برای استفاده از سایر رسانه‌های تصویری نیز به کار برد.

● کارشناسان تاکنون روش‌های متعددی برای کاهش تأثیر خشونت‌های رسانه‌ای بر کودکان توصیه کرده‌اند، مانند گروه‌بندی فیلم‌ها براساس گروه سنی کودکان یا پخش برنامه‌های حاوی خشونت در ساعات پایانی شب. در این مطالعه، مشخص شد که والدین به روش‌های یادشده توجه چندانی ندارند و اجازه می‌دهند کودکان‌شان

● هرچند سیمای جمهوری اسلامی ایران به طور معمول مناسب‌ترین و سالم‌ترین برنامه‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها را به نمایش می‌گذارد، باید والدین را آگاه کرد اعتماد به صداوسیما، چیزی از مسئولیت آنان در نظارت و همراهی با کودکان برای تماشای برنامه‌های تلویزیون نمی‌کاهد. مداخله در الگوهای تماشای تلویزیون، می‌تواند به افزایش تفکر انتقادی کودکان کمک کند و با مجهز کردن کودکان به این توانایی، آسیب‌پذیری آنان را از رسانه‌ها کاهش دهد.

روش‌های مداخله‌ای، روش‌های تازه‌یافته‌ای نیستند، این روش‌ها اغلب به صورتی غیرنظام‌مند از جانب برخی والدین اعمال می‌شوند بویژه روش محدودکننده، که اکثر والدین همواره آن را به کار می‌گیرند اما به‌کارگیری آگاهانه، نظام‌یافته و به موقع این روش‌ها در استفاده از رسانه‌ها، یک اقدام فرهنگی است که باید به والدین آموزش داده شود. این آموزش با توجه به گسترش سریع رسانه‌های الکترونیکی مختلف و بازار پرحجم محصولات رسانه‌ای اهمیت فراوان دارد.

● مطالعاتی که تاکنون در مورد تلویزیون انجام گرفته، بیشتر بر کاهش آثار منفی متمرکز بوده است و به این ترتیب آثار مثبت و نحوه افزایش این تأثیرگذاری، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آموزش روش‌های مداخله‌ای به والدین و استفاده از این روش‌ها از سوی آنان می‌تواند به استفاده بهینه از این ابزار گسترده آموزشی و فرهنگی کمک کند. همچنان که به‌کارگیری این روش‌ها در مورد سایر رسانه‌ها نیز می‌تواند والدین را در بهره‌گیری بهتر از این رسانه‌ها و افزایش آگاهی و خلاقیت و سایر مهارت‌های شناختی کودکان یاری دهد.

● با وجود تمهیدات بسیاری که برنامه‌سازان در تولیدات خود و مسئولان شبکه‌های تلویزیونی در پخش برنامه‌ها به کار می‌برند، شرایط حاکم بر بازارهای جهانی رسانه و وجود رقابت شدید در این بازارها، مانع از حذف خشونت از تولیدات رسانه‌ای شده است. چنان‌که حتی در کارتون‌ها که برای مخاطب کودک ساخته می‌شوند نیز این

### منابع فارسی:

۱. کارلسون، اولا و فایلیتین، سیسلیا فن (۱۳۸۰) **کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی**، ترجمه مهدی شفقتی، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
۲. کالینگفورد، سدريك (۱۳۸۰) **کودکان و تلویزیون**، ترجمه وازگن سرکیسیان، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
۳. ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۳۸۲) **رشد و شخصیت کودک**، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: رشد.
۴. دور، اومه (۱۳۷۴) **تلویزیون و کودکان: رسانه‌ای خاص برای مخاطبان خاص**، ترجمه علی رستمی، تهران: سروش.
۵. بیابانگرد، اسماعیل و صالحی، زیبا (۱۳۸۵) **تحلیل محتوای خشونت در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیون (پژوهش)**، مرکز تحقیقات صداوسیما.

### منابع انگلیسی:

1. Gentile, Douglas & Lynch, L.Paul & Linder, Jennifer, Rah & Walsh, A.David (2004) **The Effect of Violent Video Game Habits on Adolescent Hostility, Aggressive Behavior And school performance**. Journal of adolescence. (27) 5.
2. Hofschire, L.Linda (2004) **Parents, adolescents, and the media: applying parenting styles to home media environment**. Michign State University.

3. Cantor, Joanne (2002) **The psychological effect of media violence on children & adolescents**. Website: <http://www.joannecantor.com>.
4. Nathanson, I. Amy (1999) **Identifying and explaining the relationship between parental Mediation and children's aggression**. Communication research v,26 n,2.
5. [Http:// Modern-psychiatry.com/cartoon-research](http://Modern-psychiatry.com/cartoon-research). Htm. NCTV S cartoon & Hostile Humor Bibliography.
6. Nathanson, I.Amy (2001) **Parent and child perspectives on the presence and meaning of parental television mediation**. Broadcasting & Electronic Media, Volume: 45.
7. weaver, B. & Barbour, N. (1992) **Mediation of children's televiewing**. Families in society, the journal of contemporary human services, 236.

### پی‌نوشت:

\* Latch-key = کودکان کلیددار کودکانی هستند که به تلویزیون می‌چسبند و اختیار تغییر شبکه‌ها را دارند.  
 \*\* مطالعات طولی دایانا باومریند در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به طور عمده با ارتباط بین الگوهای رفتاری والدین و رفتار کودکان سروکار دارد. در مطالعات او والدین کودکان پیش مدرسه‌ای که خصوصیات شخصیتی و رفتار اجتماعی کاملاً متفاوتی داشتند با هم مقایسه شدند، چهار جنبه رفتار والدین در این مطالعات عبارت بود از:  
 (۱) کنترل

(۲) توقع از کودک برای انجام رفتار عاقلانه

(۳) روشن بودن ارتباط بین کودک و والدین

(۴) مراقبت از سوی والدین شامل گرمی، محبت و دخالت.

الگوهای فرزندپروری ارائه شده در این مقاله براساس شدت و تأثیر این شاخص‌ها بیان شده است. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: ماسن، پاول هنری (۱۳۸۰) رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران، کتاب ماد.

\*\*\* از آنجا که هر پاسخگو مجاز بوده است بیش از یک پاسخ بدهد و درصدگیری بر مبنای پاسخگویان است، جمع درصدها بیش از ۱۰۰ است.